

# Functions of the Social Affairs Deputy of the Welfare Organization with the Assistance of Non-Governmental Intervention Organizations in Crime Prevention

Shirzad Amiri<sup>1\*</sup>

1. Assistant Professor, Department of Law, Islamabad-e-Gharb Branch, Islamic Azad University, Islamabad-e-Gharb, Iran

Email: shirzadamiri@gmail.com Received: 04.05.2023 Acceptance: 14.06.2023

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history*

eISSN: 2980-9770  
<https://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 1, Pp: 408-438  
Spring 2023

Original research article

## How to Cite This Article:

Amiri, S. (2023). Functions of the Social Affairs Deputy of the Welfare Organization with the Assistance of Non-Governmental Intervention Organizations in Crime Prevention, *spsich*, 2(1): 408-438.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

Non-governmental intervention organizations in our country have a long history of presence and existence, and have actively worked to address social problems and prevent anti-social events. Currently, with reference to the innovations in the Criminal Procedure Code, we can witness the realization of participatory criminal policy teachings through the cooperation of the Social Affairs Deputy of the Welfare Organization and non-governmental intervention organizations in the process of preventing the necessary conditions for the occurrence of crime. The overlapping functions of the Social Affairs Deputy of the Welfare Organization in its areas of activity, including the prevention of addiction, divorce, domestic violence, violence against women and children, etc., and the enhancement of the effectiveness of pre-marriage educational programs and the continuation of the reintegration of addicts, and the improvement of psychological and social health, regardless of the need for the necessary legal, cultural, and social preparations, require the overlapping of NGOs in their socially-oriented activities.

**Keywords:** *crime prevention, Welfare Organization, Social Affairs Deputy, non-governmental organizations, intervention.*

# کارکرد معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی با استعانت از سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در پیشگیری از وقوع جرم

شیرزاد امیری<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ | ایمیل نویسنده مسئول: shirzadamiri@gmail.com

## چکیده

سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در کشور ما دارای سابقه‌ی طولانی از جهت حضور و وجود بوده‌اند و در رفع مشکلات اجتماعی و پیشگیری از وقایع اجتماع ستیز، فعالیت مایشاء داشته‌اند و هم اکنون نیز می‌توان با اشاره به نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در فرآیند جلوگیری از تحقق بسترهای لازم برای وقوع جرم شاهد باشیم. هم پوشانی عملکرد معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در زمینه‌های فعالیت خود اعم از پیشگیری از اعتیاد، طلاق، خشونت خانگی، خشونت علیه زنان و کودکان و ... افزایش اثربخشی برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و تداوم بازاجتماعی گردیدن معتادین و ... افزایش بهداشت روانی و اجتماعی صرف نظر از اینکه نیازمند تمهید بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم می‌باشد نیازمند همپوشانی سمن‌ها در فرآیند فعالیت اجتماعی محور خود می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری از وقوع جرم، سازمان بهزیستی، معاونت اجتماعی،

سازمان‌های مردم‌نهاد، مداخله‌گر.

فصلنامه علمی

## مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰

<https://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۴۳۸-۴۰۸

بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(امیری، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

امیری، شیرزاد. (۱۴۰۱). کارکرد معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی با استعانت از سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در پیشگیری از وقوع جرم. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۱): ۴۳۸-۴۰۸.

## مقدمه و بیان مسئله

امروزه، آسیب‌های اجتماعی و وقوع جرم به عنوان معضلاتی جدی، جوامع بشری را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. در این میان، پیشگیری از وقوع جرم به عنوان راهکاری مؤثر برای مقابله با این معضلات، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و سیاستگذاران قرار گرفته است. در این راستا، سازمان‌های متعددی در سطوح مختلف ملی و محلی به ایفای نقش می‌پردازند. یکی از سازمان‌های مهم در این زمینه، سازمان بهزیستی است که با توجه به رسالت خود در زمینه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و در معرض خطر، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم ایفا کند. معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی به عنوان متولی اصلی این امر، وظایف متعددی را در این زمینه بر عهده دارد.

از جمله مهم‌ترین وظایف این معاونت می‌توان به برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، ساماندهی و نظارت بر فعالیتهای پیشگیرانه، جلب مشارکت‌های مردمی، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و آموزش و توانمندسازی اقشار در معرض خطر اشاره کرد. سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بازوان توانمند دولت، می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرم ایفا کنند. این سازمان‌ها با توجه به انعطاف‌پذیری، خلاقیت و ارتباط نزدیک با جامعه، می‌توانند در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، آگاه‌سازی، توانمندسازی، حمایت و ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی فعالیت کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد به گروهی مستقل، غیر دولتی، غیر انتفاعی و داوطلبانه از مردم گفته می‌شود که با اهداف مشخص و آشکار، پیرامون یک نیاز اجتماعی مشترک گرد آمده‌اند. این سازمان‌ها به علت تعدد و تنوع نقش‌ها و ویژگی‌هایی که به خود می‌گیرند تعاریف متنوعی دارند، ولی عمدتاً با پسوند «غیر دولتی» تعریف و شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر «غیر دولتی بودن» بودن، وجه مشترک تمام تعاریف مربوط به سمن‌هاست. سایر تفاوت‌هایی که بین تعاریف این سازمان‌ها وجود دارند بیشتر مربوط به نوع فعالیت‌هایی می‌شوند که سازمان‌های مختلف، آن فعالیت‌ها را در راستای تحقق اهداف سازمانی خود انجام می‌دهند. در یک تعریف نسبتاً جامع می‌توان «سمن» را سازمان‌های غیر دولتی متشکل از گروهی از افراد

داوطلب دانست که بدون وابستگی به دولت و به صورت غیر انتفاعی و عام المنفعه با تشکیلات سازمان یافته در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه ای، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کند. اهداف و موضوعات مورد توجه این سازمان‌ها مختص به گروه و قشر خاصی نیست و حضور تمامی افراد را در عرصه‌های مختلف رشد و توسعه کشور امکان پذیر می‌سازد. در کشور ما به دلیل پیشینه تاریخ طولانی مشارکت‌های مردمی در شکل گروه‌های همیار و خودیار و آموزه‌های دینی و اخلاقی مشوق افراد نسبت به این امور، ظرفیت مشارکت همیشه وجود داشته و در برهه‌های تاریخی از جمله در تحقق انقلاب شکوهمند اسلامی و تثبیت نظام نقش آفرینی کرده است. امروز مشارکت مردمی در قالب نهادهای رسمی مدنی مثل سازمان‌های مردم نهاد و یا اشکال سنتی و دیرینه آن مثل افزایش نقش مساجد و هیات‌ها، کانون‌های فرهنگی و غیره می‌تواند دارای آثار توسعه‌ای مثبت باشد. نهادهای غیر دولتی هم می‌توانند باعث کاهش سرمایه اجتماعی گردند و هم می‌توانند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند. نهادهای غیردولتی در صورت برقراری تعامل درست، می‌توانند باعث شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی گردند. تشویق تشکیل نهادهای مدنی، تقویت آموزش‌های گروهی، استفاده موثر از رسانه‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای رفتاری کارکنان و مدیران، پایبندی به اخلاقیات، توجه به مصلحت عامه و از همه مهم‌تر، بسترسازی فرهنگ توسط دولت می‌تواند باعث تقویت نهادهای غیر دولتی و در نهایت ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی گردد.

### سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد که تحت عناوین دیگری همچون سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و NGOها نیز، معروف و معمول هستند خود بخشی از یک کل یعنی جامعه مدنی می‌باشند. اگر بخواهیم تعریفی از جامعه مدنی به دست دهیم، جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی هستند که با اهداف مشخص، بر اساس مقررات معین به صورت سازمان یافته، داوطلبانه آگاهانه و مستقل شکل گرفته‌اند. مانند اتحادیه‌ها، رسانه‌ها، انجمن‌ها احزاب و... (ابتکار، ۱۳۹۶، ۳۲).

همان طور که از تعریف جامعه مدنی و مثال‌های آن در میابیم سازمان‌های مردم نهاد عضوی از جامعه مدنی هستند که خصوصیات منحصر به فرد دارند. به منظور شناخت بهتر این سازمان‌ها ابتدا تعریفی از این سازمان‌ها بیان می‌کنیم. در یک فرهنگ حقوقی چنین تعریفی از سازمان غیر دولتی یا مردم نهاد ارائه شده است؛ هرگونه سازمان علمی، حرفه‌ای، تجاری یا عام المنفعه که نه وابستگی به دولت دارد و نه تحت کنترل آن می‌باشد و یا یک سازمان بین‌المللی که نتیجه موافقت نامه بین دولت‌ها نبوده و متشکل از افراد یا سازمان‌های خصوصی می‌باشد (انوری، ۱۳۹۱، ۳۲).

در تعریفی دیگر سازمان‌های مردم نهاد چنین تشریح شده است (سعیدی، ۱۳۹۱، ۶۰)؛ سازمان‌های مردم نهاد تشکلهایی هستند که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی، به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیر انتفاعی و غیر سیاسی هستند. در منابع بین‌المللی ده ویژگی برای سازمان‌های غیر دولتی در نظر گرفته شده است (گلشن پژوه، ۱۳۹۶، ۱۷۳)، غیر دولتی بودن، غیر انتفاعی بودن، داوطلبانه بودن، دارای ساختاری مشخص، دارای اهداف معین، داشتن برنامه، شفاف بودن در امور مالی و غیر مالی، عضو پذیری، مستقل بودن گروهی بودن از نظر اعضا و ارائه خدمات به گروه هدف.

همانطور که از اسم آن‌ها هم بر می‌آید شاید مهمترین خصایص آنها، سازمانی بودن، یعنی وجود نوعی همکاری گروهی بین اعضای آن و مردمی بودن آن یعنی عدم وابستگی آن‌ها به دولت از تأسیس تا پایان کار آن است که به همین دلیل به سازمان‌های غیر دولتی شهرت یافته‌اند، هرچند که ممکن است با دولت همکاری نزدیک داشته باشند یا حتی از دولت کمک مالی دریافت کنند تا زمانی که استقلال خود را از دست ندهند. دیگر ویژگی مهم آنها، داوطلبانه بودن حضور در این سازمان‌هاست. داوطلبانه بودن به این معنی که کسانی که در آن فعالیت دارند، آگاهانه و با اراده خود برای آن‌ها کار میکنند. خصوصیت بارز دیگر آن این است که

معمولا غیر انتفاعی بوده و منفعتی برای شخص در بر ندارد، بلکه بیشترین منفعت را برای جامعه در بر خواهد داشت بدون اینکه بار مالی برای آن به جا گذارد. این گونه سازمان‌ها که عمدتاً برای اهداف بشر دوستانه به وجود می‌آیند اهداف انسانی و متعالی بسیاری را دنبال می‌کنند. مهمترین این اهداف عبارت‌اند از؛ کمک به توسعه انسانی و اجتماعی از طریق پاسخ‌گویی به نیازهای رشد و پرورش همه جانبه و سلامت کودکان با توجه به مفهوم توسعه پایدار و متوازن. ایجاد زمینه برای مشارکت‌های مردمی و بسیج آن‌ها در حمایت از کودکان. تعامل با دولت به عنوان پل ارتباطی بین مردم و دولت برای تحقق حقوق کودکان با توجه به راهبردهای انتقادی سازنده، جهت دادن، فشار آوردن، تعدیل کردن و کار مشترک و سایر شیوه‌ها با توجه اوضاع موجود (مقنی زاده، ۱۳۹۸، ۶۸). نظارت بر سازمان‌های دولتی حمایت از حقوق کودکان. توانمندسازی گروه‌های هدف یعنی کودکان و خانواده‌های آنان از طریق آموزش در زمینه‌های مورد نیاز. کمک به فرهنگ‌سازی و ایجاد تغییرات مناسب در حوزه فعالیت‌های خود در ارتباط با کودکان. کمک به فرآیندهایی چون کار گروهی، شیوه‌های برقراری ارتباط مناسب، گفتگو، مشارکت تفاهم و اعتماد با توجه به ضرورت این فرآیندها در زندگی اجتماعی و مشکلات و کمبودهای موجود در این موارد.

اگر بخواهیم از تاریخچه این گونه سازمان‌ها بحث کنیم، نمی‌توانیم با قاطعیت نظر دهیم. شاید بتوان گفت اولین سازمان‌های مردم‌نهاد سازمان دوستان بین‌المللی طبیعت در سال ۱۸۹۵ و شورای بین‌المللی حفظ پرندگان در سال ۱۹۲۲ باشند. اینگونه سازمان‌ها پس از صدور منشور ملل متحد به ویژه تأکید ماده ۷۱ آن بر مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد، به سرعت رشد کردند و دولتها و مخصوصاً مردم با اهمیت کارکرد و سودمندی آنها، آشنا شدند. (نمازی، ۱۳۹۵، ۱۶۵) اوج شکل‌گیری این سازمان‌ها پس از سال ۱۹۸۹ بود که به اعتقاد بسیاری ناشی از چهار موضوع و به عقیده‌ای بحران روز یعنی مفهوم توسعه، دولت رفاه، فروپاشی بلوک شرق و در معرض خطر بودن محیط زیست بوده است

ناگفته پیداست که سازمان‌های مردم‌نهاد فواید بسیاری دارند، این گونه نهادها با به صحنه آوردن مردم در زمینه‌های مختلف، دولت را در پیشبرد اهداف خود کمک میکنند، و معمولاً چون از بودجه دولتی استفاده نمی‌نمایند، هزینه‌ای برای دولت به بار نمی‌آورند و حتی در بسیاری از موارد کاستیهای دولت و عملکرد ضعیف آن را پوشش میدهند. این سازمان‌ها هرچند در کشورهای مختلف و بر اساس قوانین داخلی آن کشورها ایجاد می‌شوند، اما با همه تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که بین جوامع وجود دارد، (ذاکریان، ۱۳۸۱، ۱۳۷) همه این سازمان‌ها به عنوان نهادهایی خود محور و مردمی دارای ارزش‌ها و اهداف مشترک هستند که مهمترین آن‌ها حمایت از حقوق بشر و فرد بشر در هر جای دنیاست. امروزه موفقیت چشمگیر این سازمان‌ها بیش از پیش خود را نشان داده و در بسیاری از موارد باعث همکاری ملتهای مختلف و حل بحرانهای موجود شده است و به ویژه کشورهای دموکراتیک و آزاد توانسته‌اند از وجود این نهادها استفاده فراوانی کنند و در عین حال بستر کافی برای رشد و عملکرد بهتر آن‌ها مهیا نمایند، هرچند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشکلات بسیاری بر سر راه این سازمان‌ها می‌باشد.

### پیشگیری

بحث دیگر مرتبط با موضوع اصلی ما پیشگیری است که در چند دهه اخیر بحثهای بسیاری پیرامون آن در گرفته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ویژه با ظهور مکاتب واکنش اجتماعی و انتقادات آن بر نظام کیفری حاکم، پیشگیری از جرم به عنوان مهمترین حربه برای جلوگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن، مطرح شد. این مکتب مدعی شد که نظام حقوقی حاکم تا کنون نتوانسته است در زمینه کاهش جرم و اصلاح مجرمان گامی بردارد و آمارها نیز این را نشان می‌دهد، بدین ترتیب پیشگیری از بزهکاری به عنوان مهمترین ابزار برای بهبود عملکرد نظام کیفری و کاهش جرم پیشنهاد شد. امروزه اهمیت پیشگیری از جرم بر هیچ کس پوشیده نیست، در بیان اهمیت پیش گیری بیان این جمله معروف بس که پیشگیری همیشه بهتر از درمان است.

اما منظور از پیشگیری چیست؟ مفهوم آن کدام است؟ اگر بخواهیم برای دیدن تعاریف مختلف از پیشگیری به کتب و نظریات علمای حقوق مراجعه کنیم میبینیم که، به تعداد کسانی که در صدد تعریف آن بر آمده اند، تعریف وجود دارد. و این به خاطر دیدگاه‌های گوناگون آنهاست که با توجه به آن و جنبه‌هایی که در ذهن داشته اند، به ابراز نظر پرداختند. ما برای روشنتر شدن این مفهوم و جلوگیری از پراکنده گویی، بینشهای مختلف در تبیین مفهوم پیشگیری را بیان میکنیم. در این زمینه دو بینش کلی به چشم می‌خورد. بینش موسع و بینش مضیق.

### مزایای همکاری سازمان بهزیستی با سازمان‌های مردم نهاد

الف) حلقه واسط میان جامعه و حکومت

سمن‌ها نهادهایی اند که در متن جامعه و بر اساس نیازهای آن‌ها شکل می‌گیرند و برحسب اهدافی که برای فعالیت‌های خود در اساسنامه تاسیسی تدوین می‌کنند به فعالیت در حوزه مسایل اجتماعی می‌پردازند. ویژگی عمده سمن‌ها در این حوزه آن است که تقاضاها و نیازهای اجتماعی را گردآوری و تدوین می‌کنند و آن‌ها را بر اساس اولویت‌های موجود و بالفعل، تقسیم بندی و برای نیازمندی‌های بالقوه برنامه ریزی می‌کنند. همواره یکی از مشکلات حکومت‌هایی که بر جوامعی با ساختارهای توده‌ای و بی شکل حکمرانی می‌کنند آن است که نمی‌توانند به طور دقیق به تشخیص نیازها و تقاضاهای اجتماعی جامعه تحت حاکمیت خود آگاهی پیدا کنند. چنین رویه‌ای در این نظام‌ها باعث می‌شود که در دراز مدت به دلیل همین عدم آگاهی و به تبع آن مدیریت ناکارآمد و تبعیض آمیز، هرچند به صورت ناخواسته، زمینه را برای نارضایتی عمومی فراهم می‌آورند. سمن‌ها با تکیه بر این کارکرد، یکی از عواملی اند که می‌توانند باعث افزایش توانمندی نظام سیاسی در راستای پاسخگویی مناسب به نیازها و تقاضاهای اجتماعی مردم شوند. بنابراین از این حیث، سمن‌ها در هماهنگی با سایر نهادهای جامعه مدنی نه تنها رقیبان ساختار سیاسی محسوب نمی‌شوند، بلکه در کنار حکومت و به عنوان پل ارتباطی میان جامعه و حکومت می‌توانند نقش موثری در کاهش آلام اجتماعی و رفع نابسامانی‌های آن داشته باشند (امیر احمدی، ۱۳۹۰، ۱۱۳-۱۲۵). وجود سمن‌ها و عملکردهای مثبت



آنان به معنای تحکیم این پل ارتباطی است و در مجموع ساختار اجتماعی به هم پیوسته و منسجمی را ایجاد می‌کنند که در آن سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های حاکمان، منطبق با تقاضاها و نیازهای واقعی جامعه است. (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۷، ۳۲)

#### ب) اولویت بندی تقاضاهای اجتماعی

یکی از عواملی که وجود نهادهای غیرحکومتی و مردمی را برای یک جامعه و نظام سیاسی آن امری ضروری می‌سازد این است که تقاضاهای نشأت گرفته از نیازهای اجتماعی از تعدد، تنوع، پراکندگی و بعضاً تعارض با یکدیگر برخوردارند. همانطوریکه در قسمت قبل نیز اشاره شد ورود این تقاضاها با اوصاف ذکر شده به درون نظام سیاسی که ساختاری در راستای تصمیم‌گیری برای کل ساختار اجتماعی است، امکان‌پذیر نیست و اگر هم امکان‌پذیر باشد نامطلوب است، زیرا تصمیم‌گیری برای تقاضاهای اجتماعی هنگامی می‌تواند به خوبی صورت بگیرد که این تقاضاها طبقه بندی شده باشند، در غیر این صورت تصمیمات و تعارض داشتن تصمیم‌ها با یکدیگر باعث بازخورد منفی در جامعه نسبت به حکومت می‌شود. بازخورد منفی از این جهت شکل می‌گیرد که تصمیمات پراکنده و متعارض به هنگام اجرایی شدن یکدیگر را نقض می‌کنند و طبعاً در چنین وضعیتی هیچ مشکلی رفع نمی‌شود. سازمان‌های مردم‌نهاد به واسطه همان پایگاه اجتماعی مشخص در درون جامعه می‌توانند نیازها و تقاضاهای پراکنده و متنوع را بدون حذف کردن، ساماندهی و اولویت بندی کنند. از آنجا که دامنه کارکردی سازمان‌های مردم‌نهاد طیف دولتی نسبت به مشکلات و نیازمندی‌های اجتماعی و به ویژه اولویت‌های آنان وقوف دارند. شناسایی، طبقه بندی و اولویت گذاری نیازها و تقاضاهای اجتماعی اولاً سرعت تصمیم‌گیری‌های نظام سیاسی را افزایش و ثانیاً احتمال خطا و بازخوردهای منفی آن را کاهش می‌دهد. (بازرگان هرندی، ۱۳۹۴، ۵۲)

#### پ) تاثیرات فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بر نهادهای دولتی

کار ویژه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد همگی در یک وجه با یکدیگر شباهت دارند و آن تاثیرگذاری در ساختار و عملکرد حکومت است. نکته قابل توجه این است که از

توان تاثیر گذاری بر ساختار و عملکرد نظام سیاسی نمی‌توان « سیاسی » بودن عامل تاثیرگذار را نتیجه گرفت. فعالیت سازمان‌های مردم نهاد به واسطه اعمال کار ویژه‌های فوق در عین غیر سیاسی بودن دارای تبعات سیاسی خواهند بود. تبعات سیاسی داشتن فعالیت سازمان‌های مردم نهاد، ناشی از مشارکت آنان در فرآیند تصمیم سازی است. این سازمان‌ها می‌توانند با تاثیرگذاری بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ارتباط مستمر با کمیسیون‌های مختلف و همچنین برقراری ارتباط با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی از فرآیند قانونگذاری‌ها و تصمیم گیری‌ها و نتایج آن مطلع شوند و با حضور در جلسات مشورتی این نهادها، قانونگذاری‌ها و تصمیم گیری‌ها و نتایج آن مطلع شوند و با این حضور مشورتی، قوانین و تصمیمات را قبل از اتخاذ جهت دهی کنند. این سازمان‌ها هرچند نمی‌توانند در رقابت‌های انتخاباتی همچون احزاب سیاسی حضور و فعالیت داشته باشند و حتی نمی‌توانند از حزبی خاص حمایت کنند، اما می‌توانند در شرایطی برای جلب توجه مردم و حساس کردن آن‌ها نسبت به اهداف و برنامه‌های خود، این اهداف و برنامه‌ها را به عنوان بخشی از مطالبات اجتماعی مطرح سازند. طرح این اهداف و برنامه‌ها در ایام انتخابات دو فاقده مهم و اساسی دارد: اولاً به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه، هنگام رقابت انتخاباتی، مردم بیش از سایر ایام نسبت به مسایل مختلف اجتماعی حساسیت نشان می‌دهند، به همین دلیل طرح اینگونه مسایل در این ایام باعث آگاهی مردم نسبت به مسایل مبتلا به سمن‌ها می‌شود. این آگاهی بخشی عمومی در صورت استمرار تبدیل به یک مطالبه ملی خواهد شد. ثانیاً در صورت پیروزی احزاب در فرآیند انتخابات، این برنامه‌ها و اهداف در اذهان عمومی به عنوان معیار و شاخصی برای سنجش عملکرد آنان در حوزه قدرت و تصمیم گیری عمل می‌کند. احزاب نیز به دلیل ضرورت حفظ موقعیت خود در ساختار قدرت سیاسی، تحقق آن اهداف و برنامه‌ها را که تبدیل به بخشی از مطالبات عمومی و ملی شده است در اولویت قرار می‌دهند. بدین ترتیب فعالیت سازمان‌های مردم نهاد بدون آنکه ماهیت سیاسی داشته باشد، عملاً تبعات سیاسی خود را بر جای می‌گذارد.

ت) ارتقای سطح فرهنگ مشارکت عمومی

رمز پویایی و توسعه یافتگی هر نظام اجتماعی در دنیای امروز رابطه مستقیمی با سطح فرهنگ آحاد آن جامعه دارد. فرهنگ به شیوه چگونه زیستن اعضای یک جامعه گفته می‌شود که می‌تواند محدود و بسته و کورکورانه یا مشارکتی و آگاهانه باشد. در جوامعی که فرهنگ غالب آن، فرهنگ تابعانه یا محدود باشد ف نظام سیاسی به صورت گسترده اعمال حاکمیت می‌کند. به دلیل همین با گستردگی ساختار و حجیم بودن فعالیت نظام سیاسی اولاً آرایه خدمات رسانی به جامعه از آنجا که جامعه دارای ماهیتی بی شکل و توده وار است با مشکلات متعددی همراه خواهد بود و ثانياً وجود همین گستردگی ساختاری و حجم فعالیت، امکان فساد را در نظام سیاسی افزایش می‌دهد. شواهد عینی و تاریخی بسیاری برای ناکارآمدی نظام سیاسی گسترده و حجیم وجود دارند. به همین دلیل است که رویکردهای نوین مدیریت جامعه در قالب اندیشه‌های سیاسی تدابیری اندیشیده می‌شود که از حجم و گستردگی ساختار و فعالیت حکومت‌ها کم می‌کند و به حجم و میزان فعالیت‌های اجتماعی می‌افزاید. سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند با ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب، مردم را به زندگی و فرهنگ مشارکتی سوق دهند. هر اندازه که سطح کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی مردم آگاهانه تر و مسئولانه تر باشد حضور و مشارکت آنان تاثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. (سلطانی عربشاهی، ۱۳۹۳، ۱۴۳) در چنین ساختاری، امکان سوئی استفاده از موقعیت‌ها و همچنین فسادهای اداری، سیاسی، اقتصادی و... کاهش پیدا می‌کند، زیرا مسئولان نظام سیاسی نمی‌توانند نسبت به این فرهنگ بی تفاوت باشند. فساد در اشکال مختلف برای کل فرامسیون اجتماعی و در سطحی کلان برای ثبات و امنیت جامعه آسیب زاست و یکی از مهمترین خدماتی که سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند انجام دهند این است که شرایط مساعد ذهنی و عینی لازم را برای حضور و مشارکت آگاهانه مردم در عرصه زندگی اجتماعی فراهم کنند و از مشکلات مبتلا به آن بکاهند، البته کاملاً واضح است که چنین شرایطی تماماً بر عهده سازمان‌های مردم نهاد نیست، اما سمن‌ها به واسطه همان خصوصیت اول یعنی حلقه واسطه بودن حکومت و جامعه می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در این زمینه ایفا کنند.

#### د) افزایش آگاهی‌های اجتماعی مردم

یکی از راه‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد برای افزایش سطح فرهنگ عمومی و مشارکتی مردم به کار می‌برند، افزایش آگاهی‌های اجتماعی است. حضور فعالانه و آگاهانه در تحقق اهداف اجتماعی در جوامعی امکان‌پذیر است که نسبت به مبانی فکری عمل خود وقوف داشته باشند. کمک به پیشبرد اهداف سازمان‌های غیرحکومتی و مردم‌نهاد هنگامی جامعه را به سمت توسعه یافتگی سوق می‌دهد و هزینه‌های آسیب‌پذیریش را به حداقل می‌رساند که مردم نسبت به تمامی این رفتارها و ضرورت‌های مشارکت فعال و مسئولانه در آن آگاهی داشته باشند. ممکن است تعداد بسیاری از اعضای جامعه به بسیاری از مشکلات اجتماعی مبتلا نباشند، اما عدم ابتلا به یک مشکل، به لحاظ اخلاق اجتماعی نباید منجر به بی‌تفاوتی نسبت به مبتلابان آن توسط سایر اعضای جامعه شود. مطابق با آموزه‌های اخلاق اسلامی، همه مسلمانان نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و بر همین اساس، عدم ابتلا دلیل موجهی برای بی‌توجهی به مشکلات دیگر شهروندان نیست. در این حال سازمان‌های غیردولتی در کنار کارگروه‌های تخصصی کارکرد آموزشی نیز دارند، آن‌ها از طریق مختلف همچون انتشار بولتن، روزنامه، کتاب، مجله و انتقادهای صریح و شفاف و عالمانه از سیاست‌های حکومت، مستقیم و غیرمستقیم بر آگاهی‌های اجتماعی مردم می‌افزایند. در چنین شرایطی، مشارکت مردم تابعانه و ناآگاهانه نیست، بلکه مشارکت و رفتارهای مردم با ابتلا به آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به رفع مشکلات سایر شهروندان صورت می‌گیرد. نتیجه چنین رفتار اجتماعی آگاهانه‌ای آن است که مردم خودشان را نسبت به رفتارها و پیامدهای آن، مسئول احساس می‌کنند و در مواقع بحران در کنار حکومت و سایر نهادهای اجتماعی برای رفع آن بحران می‌کوشند. در حالی که اگر چنین رفتار آگاهانه‌ای وجود نداشت طبعاً هیچکس اعم از دولتمردان و مردم خودشان را نسبت به آنچه در جامعه حادث می‌شود مسئول و پاسخگو نمی‌دانست.

#### ج) کاهش خشونت‌های اجتماعی

مهمترین عواملی که جامعه را به سمت خشونت سوق می‌دهند عبارتند از تصمیم‌گیری‌های غیر منطبق با نیازهای واقعی جامعه، نقد پذیری ساخت و عملکرد حکومت، بی‌توجهی نسبت به مسایل و مشکلات اقشار و طبقات مختلف اجتماعی، اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های تبعیض‌آمیز، ناعادلانه بودن توزیع امکانات میان سطوح مختلف جامعه و... سازمان‌های غیرحکومتی مردم نهاد هنگامی که از توانایی انجام کار ویژه‌های مربوط به ساخت‌های تخصصی خود برآیند تاثیر بسیار زیادی بر کاهش تنش‌ها و خشونت‌های اجتماعی می‌گذارند. از این منظر آنچه خشونت‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد «احساس ناکامی» است. این احساس هنگامی که در بستر تفکری شکل بگیرد که ناکامی‌های موجود را ناشی از ساختار ناعادلانه نظام اجتماعی بداند برای جبران آن ناکامی‌ها و رسیدن به خواسته‌های خود دست به هر کاری می‌زند. از سوی دیگر از آنجا که ساخت اجتماعی را ناعادلانه برای رسیده به اهداف و خواسته‌های خود تلاش می‌کند تا به انحای مختلف قوانین آن جامعه را نقض کند و همین اقدام برای نقض قوانین او را به خشونت سوق می‌دهد. در این خشونت طلبی دو هدف نهفته است. هدف اول آن است که فرد یا گروه خشونت طلب بتواند از طریق نقض آن قوانین عادلانه به اهداف و خواسته‌های خود برسد. هدف دوم آن است که اگر در راستای تحقق اهداف و خواسته‌های خویش موفق نشود بتواند با نقض قوانین ناعادلانه و اعمال خشونت علیه وضعیت موجود، بخشی از سرخوردگی‌ها و ناکامی‌هایش را تسکین دهد. البته این تسکین نیز یک امر کاملاً موقتی و زودگذر است، زیرا نظام‌های سیاسی به عنوان مجریان قانون و حافظان نظم و امنیت در مقابل اینگونه خشونت ورزی‌ها مقابله می‌کنند که این مقابله نیز در غالب موارد خشونت‌آمیز است. تصادم این دو نوع خشونت و سرکوب گروه‌های خشونت طلب اجتماعی، ذهنیت ناعادلانه بودن وضعیت موجود را در میان آنان تقویت می‌کند و آن گروه‌های اجتماعی سرکوب شده را در اعمال خشونت‌های بعدی جری‌تر و مجهز‌تر می‌سازد، به همین دلیل است که گفته می‌شود خشونت ماهیتی تصاعدی دارد و خشونت بعد از خشونت حالتی گسترده‌تر و عمیق‌تر پیدا می‌کند. سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد با توجه به فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ای که

با مشارکت‌های مردمی انجام می‌دهند، می‌توانند شرایط مناسبی را برای رفع احساس ناکامی در میان اقشار مختلف جامعه فراهم آورند. پرداختن به مسایل و مشکلات اقشار آسیب پذیر جامعه و تلاش برای رفع آن مشکلات می‌تواند حس کامیابی را در این اقشار شکوفا کند. در چنین بستری که توسط سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد ایجاد می‌شود گروه‌های مختلف اجتماعی و همچنین نهادهای حکومتی می‌توانند در یک رابطه هماهنگ و مبتنی بر حس همدردی به ایجاد شرایط مطلوب برای عموم شهروندان به ویژه اقشار آسیب پذیر کمک کنند.

### موانع ساختاری تشکیل سازمان‌های مردم نهاد

#### مانع فرهنگی

با وجود زمینه‌های مناسب مذهبی و تاریخی، ایرانیان در زمینه انجام فعالیت‌های جمعی و گروهی و علی‌الخصوص فعالیت‌های غیرانتفاعی از شرایط فرهنگی مناسبی برخوردار نبوده‌اند. از یک سو فرهنگ سیاسی ایران فرهنگی پویا و حساس نسبت به عملکرد حکومت‌ها نبوده است. در ایران علیرغم تحولات سیاسی و اقتصادی در نگرش مردم نسبت به ساختار سیاسی تغییر بنیادینی صورت نگرفته و سنت حکومت خودکامه تداوم یافته است. در چنین فرهنگی احساس وجود فاصله میان مردم و حکومت از عمده‌ترین ویژگی‌هاست که موجب بیگانگی و ترس می‌گردد. این فرهنگ سیاسی که حول محور قدرت دور می‌زند از یک سو در مراحل اولیه جامعه پذیری و بی‌اعتمادی عمیق در روابط انسانی ایجاد می‌کند (بدلیل نوع شخصیت اقتدار طلب و فرصت طلب که می‌پرورد) و از سوی دیگر در مراحل بعدی از فرد می‌خواهد که به حکم فرصت‌طلبی و تأمین امنیت فردی نسبت به حکام و نهادهای سیاسی ایمان و اطاعت نشان دهد. لذا در شرایط بی‌اعتمادی اگر سازمان‌ها و تشکیلاتی پیدا شوند خود مبتنی بر رابطه آمریت و اطاعت محض خواهند بود. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۶۱، ۱۳۹۰) از سوی دیگر وضعیت جغرافیایی خاص ایران که به عنوان چهارراه تاریخ تمدن بوده و در مسیر تجارت و تهاجم دیگران قرار داشته است، به انضمام سنت کشاورزی و زراعت پیشگی ایرانیان که نوعی روحیه سازگاری را در آنان ایجاد کرده است.

از طرف دیگر از آنجا که محدوده هر کس قطعه زمینی است این قطعه زمین نوعی دوری از سایرین و خود اتکایی به کشاورز می‌بخشد و این عدم احتیاج و ارتباط موجبات روحیه تک زیستی و عدم اتحاد را فراهم و نوعی تفرقه اجتماعی در میان ایرانیان مشاهده می‌شود. (پیشین: ۳۱) همه این عوامل به همراه روحیه تجمل‌گرایی و راحت طلبی که در سال‌های اخیر در جامعه ایران حاکم گشته است دست به دست هم داده‌اند تا سطح «سرمایه اجتماعی» که مبنای اصلی شکل‌گیری فعالیت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی می‌باشد در جامعه کاهش پیدا کند.

### مانع سیاسی

سازمان‌های غیردولتی در ماهیت خود به نوعی تقابل با قدرت مطلقه دولت محسوب می‌شوند و در کشوری مثل کشور ما که حکومت همیشه غلبه کامل داشته این چالش کار ساده‌ای نیست. (کولایی؛ ۱۳۹۹، ۸۰) در جامعه ما نیز حکومت سازمان‌های غیردولتی را در تقابل با خود می‌بیند، به این دلیل است که ما با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم. در کشورهایی که سازمان‌های غیردولتی گسترده‌ای دارند تشکلهای زیر چتر حمایت دولت فعالیت می‌کنند چرا که دولت‌ها برای گسترش جامعه مدنی تلاش می‌کنند. به عنوان مثال در تایلند ۱۸۰۰۰ سازمان غیردولتی وجود دارد که از طرف دولت حمایت می‌شوند.

دولت‌هایی که با گروه‌های اجتماعی فعال در جامعه و تشکیلات منسجمی روبه رو بوده‌اند نسبت به اتخاذ یا اجرای سیاست‌های خود دقیق بوده و می‌دانند که در مقابل لغزش‌های خود می‌بایست پاسخگو باشند. برخلاف اصل مزبور در ایران در دهه‌های اخیر به جای آنکه گروه‌ها به شکل دهی ساز و کار سیاسی بپردازند این دولت بوده که با تکیه بر درآمدهای نفتی به طور مستقل سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کرده و به شکل دهی ساختار اجتماعی اهتمام می‌ورزیده است. (میرآقایی: پیشین: ۵۳) ساخت سیاسی نیز مانع از شکل‌گیری گروه‌ها بوده است. (میرآقایی: پیشین: ۵۳) بخش دولتی نمی‌خواهد سازمان‌های غیردولتی در جایگاه خودشان قرار بگیرند و تا شرایط را فراهم می‌بیند می‌خواهد طلوع‌دار بخش غیردولتی هم باشد. (شیخانی، ۱۳۹۲، ۶۵) در تاریخ معاصر ایران در دوره‌های خاصی با باز شدن فضای

سیاسی گروه‌ها و تشکل‌های زیادی مجال رشد و ظهور پیدا کردند ولی شگفت آنکه حاصل فعالیت آن‌ها منجر به ظهور دولت‌های مستبد شده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ۶۰:۱۳۹۱)

از سوی دیگر تعریف روشنی از ساز و کار، اهداف و فعالیت یک سازمان غیردولتی در جامعه وجود ندارد. از جمله اینکه اصولاً یک نهاد غیردولتی می‌تواند کارکرد سیاسی داشته باشد. (ماشینی: ۷) این امر راه را برای اعمال سلیقه مسئولان دولتی در خصوص این سازمان‌ها باز می‌گذارد.

### مانع قانونی

در ایران سیستم قانونی براساس بدبینی نسبت به تمامی اجتماعات و انجمن‌ها شکل گرفته است؛ روابط دولت با نهادهای داوطلبانه به طور واضح تعریف نشده است و قوانین مربوط به فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ایران شفاف نیستند (نمازی، ۱۳۹۵). قوانین و رویه‌های قانونی پیچیده و پردردسری که در سه دهه گذشته وضع شده‌اند، انجام دادن کارهای ابتکاری و اقدامات ریشه‌ای اجتماعی را مشکل ساخته‌اند و روحیه کار داوطلبانه را تضعیف و سرکوب کرده‌اند (نمازی، ۱۳۹۵). به دلیل مشکلات فوق سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانستند با توجه به مرامنامه و روش اجرایی و اهدافی که برای خود در نظر می‌گرفتند بتوانند با همان ایده سازمان خود را به ثبت برسانند. آن‌ها مجبور بودند که سازمان‌های خود را دارای اهداف دیگری معرفی کنند ولی مراحل ثبت قانونی آن به شکل دیگری باشد. (جباری، ۱۳۹۸، ۶۲)

از سوی دیگر قانونگذار ایران فعالیت سازمان‌های غیردولتی را منوط به ثبت آن‌ها در مراجع رسمی اعلام می‌نماید و به نظارت کامل براین سازمان‌ها حتی از زمان تأسیس قایل شده است. تعدد رویه‌های جاری در خصوص ثبت این سازمان‌ها مشکل دیگری است. مراجع رسمی مدعی ثبت سازمان‌های غیردولتی در ایران را می‌توان بیش از پنج سازمان دانست: سازمان ثبت، وزارت کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی انتظامی، وزارت صنایع و... که سازمان‌های غیردولتی ملزم



می‌باشند تا با مراجعه به آن‌ها و انجام روال‌های اداری طولانی مدت به ناچار اقدام به ثبت خود نمایند. (گودرزی، ۵۰، ۱۳۹۰)

بعلاوه طبق اصل ۲۶ قانون اساسی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند دارای انجمن و جمعیت باشند. به غیر از سه اقلیت دینی شناخته شده یعنی: زرتشتی، کلیمی و مسیحی بقیه گرایش‌های دینی و اعتقادی را قانون اساسی به عنوان دین نمی‌شناسند و بنابراین این ترتیبی هم برای حفظ هویت آن‌ها پیش بینی نکرده است. (مهرپرور، ۱۳۹۱، ۸۲) بدلیل پیچیدگی‌های فوق، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های اجتماعی قادر به ثبت جوامع و انجمن‌های خود نزد نهادهای دولتی نبوده‌اند. تعداد زیادی از آن‌ها بدون اینکه ثبت شده باشند فعالیت می‌کنند. بسیاری از آن‌ها با موانع جدی روبرو می‌شوند چرا که رسماً مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند (نمازی، ۱۳۹۵).

### مانع اقتصادی

جمعیت جوان کشور، بالا بودن نرخ بیکاری و افزایش مشکلات اقتصادی مردم در کنار حاکم شدن روحیه تجمل پرستی در جامعه باعث شده است تا بخش عمده فعالیت‌های اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی سودآور متمرکز گردد. آنهم نه فعالیت‌های ریشه‌ای و بلند مدت بلکه فعالیت‌های کاذب و سطحی. بعلاوه وابستگی جامعه ایران به دولت به دلیل اقتدار دولت ناشی از درآمد نفت باعث شده است تا مردم و بخش خصوصی نقش مهمی را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ایفا نکنند. به این دلایل، سازمان‌های غیردولتی در ایران جایگاه مردمی ندارند و ضرورت برای تشکیل جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی از طرف مردم جامعه ما هنوز احساس نشده است. (شریف زاده، ۱۳۹۳، ۳۲)

از سوی دیگر در شرایطی که فقر دامنگیر قشر وسیعی از جامعه است، گروه‌های واقعی مدنی به دلیل فقدان امکانات لازم مجال ظهور و فعالیت نخواهند یافت و معمولاً برخی از گروه‌ها با وابستگی خاصی که از جانب قدرت‌های سیاسی در داخل یا خارج از کشور تغذیه می‌شوند و از «امکانات گزینشی» برخوردارند میدان دار

عرصه خواهند بود. بدین دلیل شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تری در جامعه ایجاد می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰، ۳۲).

### موانع شکلی سازمان‌های مردم‌نهاد

#### موانع درونی

اصولاً سازمان‌های غیردولتی همانند سایر جلوه‌های تمدن جدید همچون هنر و سیاست و فلسفه، علم در ایران روند طبیعی تشکیل را طی نکرده‌اند. یعنی به دلیل وارداتی بودن، به همراه شکل‌گیری آن‌ها فرهنگ، دانش، اخلاق و ساختار متناسب با آن شکل نگرفته است. آنچه که از فرهنگ ایرانی نشأت گرفته است سازمان‌های اجتماعی یا محلی بوده‌اند که با توجه به تغییر شرایط اجتماعی قادر به پاسخگویی به نیازهای نوین نمی‌باشند. با این حال برخی از شرایط حاکم بر این سازمان‌های اجتماعی و محلی به درون سازمان‌های غیردولتی رخنه کرده‌اند و این امر موجب بروز مشکلاتی جدی سازمان‌های غیردولتی شده که کارایی و اثر بخشی آن‌ها را تنزل داده است. در ذیل به برخی از عمده‌ترین این مشکلات اشاره می‌شود:

کلی بودن و مبهم بودن اهداف و وظایف

کلی بودن اهداف و وظایف یکی از مسائلی است که در اساسنامه اکثر سازمان‌های غیردولتی در ایران قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد با بررسی اهداف مندرج در اساسنامه سازمان غیردولتی بتوان به معیاری مطمئن برای ارزیابی میزان تعهد سازمان نسبت به انجام فعالیت‌ها دست یافت. هر چند در برخی از موارد بیان اهداف و وظایف به صورت کلی برای احتراز از سخت‌گیرانه‌ی نهادهای دولتی در اعطای مجوز صورت می‌پذیرد؛ با این حال هر چقدر که اهداف و وظایف جنبه شعاری بیشتری داشته باشند ظاهراً تعهد سازمان مربوطه نسبت به انجام دادن فعالیت‌های عملی و مؤثر کمتر است. سازمان‌های غیردولتی عموماً تعریفی شفاف از مفاهیمی همچون اهداف، راهبردها، ساختار سازمانی و برنامه‌های عملیاتی ندارند و فعالیت‌های آن‌ها عمدتاً به شکل سنتی و در جهت ارضای نیازهایی که بصورت روزمره مطرح می‌گردند انجام می‌پذیرند.

انسان‌ها در بسیاری از موارد به چیزهایی که می‌گویند باور ندارند. (راسخ، ۱۳۹۱، ۲۳) این مسئله در مورد سازمان‌های غیردولتی نیز صادق است. در خیلی از موقعیت‌ها شعارهای زیبا برای کسب یک موقعیت، دریافت یک وام دولتی و یا اینکه حتی برای ارضای نیازهای درونی و روحی صورت می‌پذیرد و هیچ گونه تعهدی نسبت به عملی کردن آن شعارها وجود ندارد.

#### ب- ضعف مدیریت

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از ضعف مدیریت رنج می‌برند. این مشکل در سازمان‌های مختلف به اشکال متعددی بروز پیدا می‌کند. بسیاری از مدیران موسسات یک نگاه کاسب کارانه به سازمان‌های غیردولتی دارند. (محمدی: پیشین: ۵۳) و به کار گروهی اعتقاد ندارند. این نوع نگاه در کوتاه مدت باعث ضعف عملکرد سازمان و در بلند مدت موجب انحراف سازمان از اهدافی می‌گردد که سازمان برای خود تعیین کرده است. در بسیاری از سازمان‌ها مدیران و مؤسسان سازمان در دسترس نیستند و برقراری تماس و ارتباط با آن‌ها مشکل است. اگر این مسئله را نیز مورد توجه قرار دهیم که خیلی از سازمان‌ها دچار نخبه‌گرایی هستند و فعالیت‌های آن‌ها قائم شخص می‌باشد؛ اهمیت موضوع فوق روشن‌تر می‌گردد. به علاوه این موضوع موجب می‌گردد تا در صورت کناره‌گیری مؤسسان از فعالیت در سازمان یا ورود آن‌ها به سایر عرصه‌های اجتماعی فعالیت سازمان دچار اختلال و یا حتی توقف روبه‌رو گردد.

به عنوان مثال یکی از سازمان‌های غیردولتی فعال در بلغارستان، سازمان «Ecoglasnost» بود که نقش عمده‌ای در مردم‌سالار ساختن این کشور برعهده داشت. پس از آن بسیاری از فعالان این جنبش وارد عرصه سیاست شدند و اکنون عضو ائتلاف حاکم هستند و این جنبش از هم پاشیده است. لذا ممکن است سازمان‌های غیردولتی درست در زمانی که انتظار می‌رود شروع حاکمیت مردم‌سالار به آن‌ها نیروی بیشتری ببخشد با تنزل قوا مواجه شوند.

این بدان معناست که یکی از مهم‌ترین چالش‌های روی سازمان‌های جامعه مدنی در چنین دوره‌هایی، یافتن و معرفی طبقات جدید رهبری برای جایگزین کردن

نیروهایی است که وارد سایر عرصه‌ها شده‌اند. اگر سازمان‌های غیردولتی نتوانند خانه خودش را منظم حفظ کند چگونه می‌تواند انتظار داشته باشد دولتی که سازمان مربوطه سعی در تأثیرگذاری بر آن را دارد بهتر عمل کند؟ این مسئله‌ای است که «انجمن حمایت از حقوق کودکان» با اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی که از مؤسسين این انجمن بود با آن روبرو شد. هرچند انجمن به دلیل برخورداری از ساختار مردم سالار و با بهره‌گیری از نیروهای با انگیزه و فعال خود توانست از این موضوع به عنوان فرصتی برای تقویت ارتباطات بین‌المللی خود سود ببرد. همچنین انتخاب خانم «معصومه ابتکار» - که از فعالان سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی - به ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست موجب تقویت سازمان‌های غیردولتی و بهبود ارتباط این سازمان‌ها با سازمان مربوطه گردید.

#### پ- فقدان اعتبار و نداشتن پایگاه اجتماعی

برخی از سازمان‌های غیر دولتی از اعتبار کافی برای انجام فعالیت در حوزه‌هایی که برای خود تعیین کرده‌اند برخوردار نیستند و نوع شعارها با توان سازمان تناسب چندانی ندارد. بعلاوه نداشتن پایگاه اجتماعی در میان مردم موجب عدم استقبال از فعالیت سازمان و در نتیجه افت کارایی این سازمان‌ها می‌گردد. از سوی دیگر بسیاری از سازمان‌های غیردولتی با جوامع هدف خود بویژه فقرا و محرومان از ارتباط و وابستگی کافی برخوردار نیستند. این امر از یک سو موجب بیگانگی سازمان با جوامع هدف و نیارهای مربوطه و از سوی دیگر موجب بیگانگی جوامع مذکور با سازمان مورد نظر و در نتیجه عدم استقبال کافی از فعالیت‌های سازمان می‌گردد

#### ت- فقدان تخصص و مهارت‌های حرفه‌ای

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از تخصص کافی برای فعالیت در حوزه‌های مورد نظر خود و یا تخصص‌های لازم برای انجام کار گروهی و سازمان برخوردار نیستند. بهره‌گیری از علوم جدید به طور مناسب انجام نمی‌پذیرد. استفاده از اینترنت محدود است. بسیاری از سازمان‌ها از سایت اینترنتی برخوردار نیستند؛ سازمان‌هایی هم که

دارای سایت هستند استفاده کافی و مناسب از امکانات آن به عمل نمی‌آورند. ارتباطات این سازمان‌ها هنوز با استفاده از روش‌های سنتی صورت می‌پذیرد. دانش کارجمعی در این سازمان‌ها وجود ندارد و بسیاری از فعالیت‌ها براساس تجربه و آزمون و خطا انجام می‌شوند.

روش‌های گزارش دهی و گزارش نویسی رایج در میان این سازمان‌ها ضعیف است که این امر موجب می‌شود تا جذب بودجه از پروژه‌های بین‌المللی مشکل باشد. (ساعی، ۱۳۹۹، ۷۳) روابط عمومی این سازمان‌ها ضعیف است و با تکیه به روش‌های سنتی انجام می‌پذیرد. این مسئله نیز باعث ضعف سازمان در معرفی خود و برقراری ارتباط با جامعه می‌گردد. این امر به نوبه خود موجب کاهش تأثیرگذاری این سازمان‌ها در جوامع هدف و انحراف از رسالت سازمان می‌شود.

روش‌های تأمین منابع مالی نامناسب و حتی در پاره‌ای از موارد غیراخلاقی هستند. بعضاً مشاهده می‌شود که کارکنان سازمان‌ها به در منازل افراد مراجعه می‌کنند و اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌نمایند. در مواردی نیز با مراجعه مستقیم به رهگذاران از آن‌ها درخواست کمک می‌شود. این امر به وجهه سازمان در جامعه صدمه می‌زند و بیگانگی هر چه بیشتر مردم با این سازمان‌ها را به دنبال خواهد آورد. ارزیابی مستمر و مداوم از فعالیت‌ها صورت نمی‌پذیرد. این امر در بلند مدت موجب توقف فعالیت‌ها و یا انحراف سازمان از اصول و برنامه‌های مشخص شده می‌گردد. برنامه‌ریزی در این سازمان‌ها عمدتاً به صورت کوتاه مدت و براساس نیازهای روزمره انجام می‌پذیرد. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در زمینه طراحی برنامه‌های بلند مدت و استراتژیک دچار مشکل می‌باشند.

ث- عدم آگاهی این سازمان‌ها نسبت به نقش و جایگاه خود

سازمان‌های غیردولتی عمدتاً از نقشی که در جهت شکل‌دهی به ساختار اجتماعی و تغییر فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه برخوردار می‌باشند آگاهی ندارند. آن‌ها از رسالت و مأموریت اصلی خود که واسطه میان مردم و دولت‌ها می‌باشند درک مناسبی ندارند.

میزان خود باوری در این سازمان‌ها پایین است و از توانمندی‌های خود غافل‌اند؛ در نتیجه مطالباتی را که می‌توانند داشته باشند از دولت تقاضا نمی‌کنند. این امر به نوبه خود موجب می‌شود تا دولت نیز نقش و جایگاهی مناسب را برای این سازمان‌ها در نظر نگیرد و حضور آن را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های عمومی به رسمیت نشناسد.

#### ج- همسویی با دولت

در برنامه‌های اعلام شده برخی از سازمان‌های غیردولتی عباراتی به چشم می‌خورد که اگر بیننده با سازمان مربوطه آشنایی نداشته باشد تصور خواهد کرد که با یکی از ارکان رسمی دولت روبه‌رو است. «با توجه به مردمی بودن انقلاب اسلامی، خواسته‌های سازمان‌های غیردولتی ایران در راستای اهداف نظام قرار دارد. لذا بسیاری از اقدامات آن‌ها همسو با دولت بوده و فارغ از مشکلات سازمان‌های غیردولتی سایر کشورها فعالیت می‌کنند.» (گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۱)

محدودیت منابع مالی برخی از سازمان‌های غیردولتی را مجبور ساخته است تا به جای اجرای برنامه‌های مستقل و در راستای اهداف خویش به دنبال اجرای برنامه‌های دولت بروند تا از کمک‌های دولت بهره‌مند گردند. عدم وجود درکی مناسب از تعریف و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در جامعه و در درون خود آنها باعث گردیده است تا این سازمان‌ها به دنبال تقلید از الگوهای دولتی بروند و این مسئله نیز به نوبه خود به تلاش سازمان مربوطه در جهت کسب پایگاه اجتماعی مشخص صدمه می‌زند.

#### چ- ضعف عضو پذیری

شاید جذب اعضا مهم‌ترین عاملی باشد که بقای یک سازمان غیردولتی و موقعیت آن را در رسیدن به اهداف مشخص شده تضمین می‌کند. اما مهم‌تر از این مسئله این است که افراد با چه انگیزه‌هایی به چه دلیل به عضویت سازمان درمی‌آیند. در ایران عضویت افراد در سازمان‌های غیردولتی عمدتاً با معرفی گروه‌های تأثیرگذار از قبیل: دوستان، همکلاسی‌ها، خانواده و خویشاوندان صورت می‌پذیرد. کمتر مشاهده

شده است که اهداف و برنامه‌های اعلام شده سازمان افراد را به سمت سازمان بکشاند.

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از اعضای برخوردارند که فقط کارت عضویت دارند و هیچ فعالیتی در سازمان به انجام نمی‌رسانند. ممکن است دلیل این امر این باشد که فرصت‌های مناسب برای فعالیت اعضا وجود ندارد و افراد پس از عضویت از سازمان کنار زده می‌شوند. دلیل دیگر ممکن است این باشد که عضویت در سازمان با انگیزه واقعی فعالیت همراه نیست و با انگیزه‌های نامشخص صورت می‌پذیرد. در برخی از سازمان‌ها افراد به دلیل بهادان سازمان به خلاقیت و نوآوری‌ها از سازمان کنار می‌روند. در مورد دیگر نیز افراد بدلیل مواجهه با برخورد سرد و غیردوستانه اعضای قبلی سازمان از فعالیت در سازمان ناامید می‌شوند.

#### ح- محدودیت منابع مالی

شاید در نگاه اول مهم‌ترین مشکلی که سازمان‌های غیردولتی با آن روبه رو هستند، محدودیت منابع مالی باشد. اما تجربه نشان داده است که سازمان‌هایی که در جامعه هدف خود از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردارند بدون توجه به این مشکل فعالیت‌هایشان را به نحو مطلوبی به انجام می‌رسانند هر چند محدودیت منابع مالی توسعه فعالیت‌های سازمان را با مانع روبه رو می‌کند.

محدودیت منابع مالی در برخی از سازمان‌ها موجب می‌گردد تا آن‌ها به انجام دادن بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی روی آورند و از هدف و رسالت اصلی سازمان منحرف شوند. به نظر می‌رسد روش‌های مورد استفاده سازمان‌های غیردولتی غالباً محدود به اطلاع رسانی و برخی اقدامات عملی گردیده است. نوع خاص برخورد موجود میان سازمان‌های غیردولتی قدرتمند بین‌المللی با دولت‌های خاطی به واسطه محدودیت‌ها و منابع اندک مادی و معنوی سازمان‌های داخلی تاکنون قابلیت انجام یافتن را نداشته است. (شایگان، ۱۳۹۲، ۹۱)

از سوی دیگر عدم تمایل به همکاری موجود در درون جامعه سازمان‌های غیردولتی ظاهراً از این حقیقت تأثیر پذیرفته است که منابع مالی محدود هستند. با این حال

چون سازمان‌های غیردولتی عموماً کوچک هستند همکاری در میان آن‌ها برای انجام پروژه‌ها بصورت موفقیت آمیز ضروری است.

خ- عدم حضور فعال در عرصه بین‌المللی

ارتباطات بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی ایران محدود است. بسیاری از آن‌ها از امکانات موجود برای فعالیت در عرصه بین‌المللی آگاه نیستند. اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد این زمینه‌ها از سوی دولت و نهادهای دولتی صورت نمی‌پذیرد.

از سوی دیگر به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی این سازمان‌ها در مورد فعالیت‌ها و اقدامات خود این سازمان‌ها عموماً مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی قرار نمی‌گیرند و فرصت کسب و انجام دادن طرح‌های بین‌المللی را از دست می‌دهند.

ارتباط مستمر میان این سازمان‌ها با سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی در داخل و خارج از کشور وجود ندارد. این مسئله موجب شده است تا در بسیاری از موارد آگاهی این سازمان‌ها از قابلیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر محدود باشد.

### موانع بیرونی

علاوه بر مسائلی که سازمان‌های غیردولتی در درون خود با آن مواجه‌اند مشکلاتی نیز در فضای عمومی فعالیت این سازمان‌ها وجود دارد که شکل‌گیری و فعالیت این سازمان‌ها را با مانع روبرو کرده است. در ذیل به اهم این موارد اشاره می‌شود:

تعریف نشدن نوع رابطه دولت با سازمان‌های غیردولتی

مسئولان و برنامه‌ریزان دولتی نسبت به ماهیت، جایگاه و نیازهای واقعی سازمان‌های غیردولتی از آگاهی و شناخت کافی برخوردار نیستند. این امر موجب اتخاذ تصمیمات دور از واقع و شتابزده مسئولان در این مقوله می‌گردد. وجود ذهنیت‌های قبلی نسبت به سازمان مربوطه یا اعضای آن به میزان زیادی در کیفیت تصمیمات متخذه تعیین‌کننده است. سازوکارهای مناسب نظارتی در مورد این سازمان‌ها وجود ندارد. رویه‌های نظارتی عمدتاً به دخالت در این سازمان‌ها و یا اعمال محدودیت‌های غیرمنطقی منجر می‌گردد.

از سوی دیگر به دلیل آنکه مجوز فعالیت این سازمان‌ها را نهادهای دولتی صادر می‌کنند، این نهادها تلاش کرده‌اند تا حاکمیت خود را بر این سازمان‌ها اعمال



نمایند و آن‌ها را تحت کنترل خویش درآورند. به علاوه کارکرد نامناسب برخی از سازمان‌های غیردولتی موجب ایجاد بدبینی و سوءظن در مسئولان و نهادهای دولتی نسبت به این سازمان‌ها شده است. بسیاری از مسئولان به ضرورت وجودی سازمان‌های غیردولتی اعتقاد ندارند و حتی بعضاً آن‌ها را مانع و مشکل ساز می‌دانند. بایست این مسئله مورد توجه قرار گیرد که سازمان‌های غیردولتی مشکلاتی همچون سازمان‌های دولتی را تجربه می‌کنند. در جایی که دولت دچار خویشاوند گرایی، فساد و ناکارایی است سازمان‌های غیردولتی ضرورتاً مفید نیستند.

عدم وجود هویت جمعی مشترک در میان سازمان‌های غیردولتی سازمان‌های غیردولتی در جامعه ایران از یک سو هویت جمعی مشترک و پذیرفته شده برخوردار نیستند. خود آن‌ها نیز فعالیت خود را بخشی از یک تلاش سازمان یافته و منسجم جمعی نمی‌دانند. این سازمان‌ها از یک ارتباط اندامی (ارگانیک) و تعریف شده با دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی برخوردار نیستند. نمونه‌هایی مناسب و موفق در درون جامعه سازمان‌های غیردولتی برای الگو برداری وجود ندارد. الگوهای موجود نیز به دلایل مختلف مجال طرح و بروز نیافته‌اند. این امر به نوبه خود موجب بیگانگی هر چه بیشتر این سازمان‌ها نسبت به یکدیگر شده است.

فقدان درک و پذیرش نقش سازمان‌های غیردولتی در جامعه سازمان‌های غیردولتی در ایران از پذیرش اجتماعی مناسب برخوردار نیستند. بیشتر آن‌ها در درون حصار بسته خود فعالیت می‌کنند و ارتباط آن‌ها نهایتاً به ارتباط با جامعه هدفشان محدود می‌گردد و یک تعامل مستمر و پویا با سایر اقشار اجتماع برقرار نکرده‌اند. در جامعه نسبت به مقوله مشارکت و کار گروهی آگاهی و اطلاعات کافی و مناسب وجود ندارد. اجتماع هنوز ضرورت وجودی این سازمان‌ها را باور نکرده است و لذا خود را نسبت به مشارکت در چنین فعالیت‌هایی متعهد نمی‌داند. دید منفی جامعه نسبت به فعالان برخی از حوزه‌ها مشکل دیگری است. به عنوان

مثال سازمان‌های غیردولتی که در جهت حمایت از معتادان و یا زندانیان فعالیت می‌کنند ممکن است با دیده تحقیر و توهین شهروندان، نهادهای دولتی و حتی خویشاوندان شخص مورد نظر نگریده شوند. این امر موجب لطمه به تلاش‌های مداوم و وسیع این گروه‌ها خواهد شد و حتی بیم آن می‌رود که متوقف گردد.

### ضعف آمار و اطلاعات در مورد این سازمان‌ها

هنوز آمار دقیقی در مورد سازمان‌های غیردولتی در کشور وجود ندارد. آمار موجود غیردقیق و تاریخ گذشته هستند و قابل اتکا نیستند. حتی آمار سازمان‌های مختلف نیز با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال فهرست سازمان‌های غیردولتی در وزارت کشور با فهرستی که مثلاً مرکز امور مشارکت زنان دارد متفاوت است. ارتباط آمار و اطلاعاتی میان سازمان‌های دولتی در مورد سازمان‌های غیردولتی وجود ندارد. فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی در موضوعات مرتبط با فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کشور بسیار به ندرت انجام پذیرفته است. بعلاوه به دلیل مشکلات موجود در زمینه انجام دادن تحقیقات میدانی در خصوص سازمان‌های غیردولتی، تمایل به انجام دادن این گونه پژوهش‌ها در مجامع دانشگاهی و تحقیقاتی کشور اندک است. (گل محمدی، ۱۳۹۸، ۳۱)

### تأثیر همکاری معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی با سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در پیشگیری از وقوع جرم

معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در راستای پیشگیری از وقوع جرم، با استعانت از سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر، وظایف و کارکردهای متعددی را بر عهده دارد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شناسایی و ریشه‌یابی آسیب‌های اجتماعی: معاونت اجتماعی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، اقدام به شناسایی و ریشه‌یابی آسیب‌های اجتماعی در مناطق مختلف کشور می‌کند. این امر با انجام مطالعات میدانی، پیمایش‌ها و نظرسنجی‌ها صورت می‌پذیرد. (رستمی، ۱۳۹۶، ۳۲)

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری: بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات و تحقیقات، معاونت اجتماعی در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کند. این برنامه‌ریزی‌ها با رویکردی جامع و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انجام می‌شود.

آموزش و توانمندسازی: معاونت اجتماعی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، اقدام به آموزش و توانمندسازی اقشار مختلف جامعه در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم می‌کند. این آموزش‌ها می‌تواند به صورت عمومی یا تخصصی و برای گروه‌های سنی مختلف ارائه شود.

حمایت و پشتیبانی از آسیب‌دیدگان: معاونت اجتماعی از طریق ارائه خدمات حمایتی و مددکاری، به آسیب‌دیدگان اجتماعی و خانواده‌های آن‌ها کمک می‌کند. این خدمات می‌تواند شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای، مددکاری، آموزشی و حمایتی مالی باشد.

جلب مشارکت‌های مردمی: معاونت اجتماعی در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم، به جلب مشارکت‌های مردمی و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد اهتمام می‌ورزد. این امر می‌تواند از طریق جلب کمک‌های نقدی و غیرنقدی، جذب داوطلبان و تشویق مردم به مشارکت در برنامه‌های پیشگیرانه صورت پذیرد.

نظارت و ارزیابی: معاونت اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در زمینه پیشگیری از جرم نظارت می‌کند و به ارزیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها می‌پردازد. این امر با هدف ارتقای کیفیت برنامه‌ها و افزایش اثربخشی آن‌ها انجام می‌شود.

برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در زمینه پیشگیری از جرم عبارتند از: انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن مددکاران اجتماعی ایران، انجمن آسیب‌شناسی ایران

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر

چند نمونه از اقدامات معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در زمینه پیشگیری از جرم با استعانت از سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره می‌شود: اجرای طرح غربالگری و شناسایی کودکان در معرض آسیب

اجرای برنامه‌های آموزشی پیشگیری از اعتیاد برای دانش‌آموزان، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری به خانواده‌های در معرض آسیب، برگزاری کارگاه‌های آموزشی پیشگیری از خشونت برای زنان، حمایت از طرح‌های اشتغال‌زایی برای افراد آسیب‌دیده

### نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم

سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بازوان توانمند دولت، می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری از جرم ایفا کنند. این سازمان‌ها با اتکا به سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی، می‌توانند به آحاد مختلف جامعه دسترسی پیدا کرده و برنامه‌های پیشگیرانه را به طور مؤثر اجرا کنند. برخی از مزایای استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم عبارتند از: افزایش جلب مشارکت‌های مردمی، افزایش اعتماد عمومی به برنامه‌های پیشگیرانه، افزایش اثربخشی برنامه‌های پیشگیرانه، افزایش انعطاف‌پذیری و پویایی برنامه‌های پیشگیرانه، افزایش پاسخگویی و شفافیت برنامه‌های پیشگیرانه لازم به ذکر است که همکاری و تعامل معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی با سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر، می‌تواند گامی مؤثر در زمینه پیشگیری از جرم و ارتقای امنیت اجتماعی باشد (خاتون‌خانجانی، ۱۳۹۰، ۴۳).

### نتیجه‌گیری

سازمان بهزیستی به عنوان متولی اصلی امور اجتماعی در کشور، نقشی کلیدی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن، جرم ایفا می‌کند. معاونت اجتماعی این سازمان با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به عنوان بازوان توانمند خود، می‌تواند در زمینه‌های مختلف مداخله‌گرانه عمل کرده و از وقوع جرم پیشگیری کند.

معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، توانمندسازی، حمایت و ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی، اقداماتی را در راستای

پیشگیری از وقوع جرم انجام می‌دهد. سمن‌های مداخله‌گر با فعالیت‌های خود در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای سطح آگاهی عمومی، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری، زمینه‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهند. چالش‌ها و موانعی مانند عدم وجود قوانین و مقررات حمایتی، بروکراسی اداری، کمبود منابع مالی و انسانی، عدم وجود تعامل و هماهنگی کافی بین معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی و سمن‌ها، در مسیر همکاری این دو نهاد وجود دارد. ارتقای سطح آگاهی و دانش عمومی، تقویت قوانین و مقررات حمایتی، تسهیل فرآیند صدور مجوز و فعالیت سمن‌ها، افزایش تعامل و هماهنگی بین معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی و سمن‌ها، از جمله راهکارهای ارتقای اثربخشی همکاری این دو نهاد در پیشگیری از وقوع جرم است. معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی با استعانت از سمن‌های مداخله‌گر، می‌تواند نقش موثری در پیشگیری از وقوع جرم ایفا کند. برای ارتقای اثربخشی این همکاری، لازم است چالش‌ها و موانع موجود شناسایی و برای رفع آن‌ها راهکارهای مناسب ارائه شود.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر، نقشی مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم ایفا می‌کند. این نقش از طریق فعالیت‌های مختلفی مانند: معاونت اجتماعی با ارائه آموزش‌ها و خدمات مشاوره‌ای به سازمان‌های مردم‌نهاد، به ارتقای توانمندی آن‌ها در زمینه پیشگیری از جرم کمک می‌کند. معاونت اجتماعی از طریق تسهیل اعطای کمک‌های مالی به سازمان‌های مردم‌نهاد، به آن‌ها در اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم یاری می‌رساند. معاونت اجتماعی با ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر دستگاه‌های متولی پیشگیری از جرم، از موازی‌کاری و اتلاف منابع جلوگیری می‌کند. معاونت اجتماعی با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، به ترویج فرهنگ پیشگیری از جرم در جامعه می‌پردازد.

سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های مختلفی مانند پیشگیری از اعتیاد، طلاق، خشونت خانگی، کودکان کار و خیابان و... فعالیت می‌کنند. همکاری معاونت اجتماعی با سازمان‌های مردم‌نهاد به افزایش اثربخشی برنامه‌های پیشگیری از جرم

منجر شده است. سازمان‌های مردم‌نهاد با جلب مشارکت مردم در برنامه‌های پیشگیری از جرم، به ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌کنند.

## منابع و مأخذ

- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مدنی و توسعه ملی. نقش و نگار.
- ابتکار، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در کاهش فقر روستایی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- انوری، ابراهیم. (۱۳۹۱). سازمان‌های غیردولتی و حقوق بشر در ایران. تهران: دفتر سازمان ملل متحد.
- خاتون خانجانی، ن. و دیگران. (۱۳۹۰). درآمدی بر اصول، قوانین و مقررات سازمان‌های مردم‌نهاد (چاپ اول). تهران: معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور.
- راسخ، محمد. (۱۳۹۱). حق و مصلحت. تهران: نشر طرح نو.
- ساعی، احمد. (۱۳۹۹). مسایل سیاسی اقتصادی جهان سوم. تهران: انتشارات سمت.
- سلطانی عربشاهی، سیمین. (۱۳۹۳). مدیریت توسعه. تهران: انتشارات استادی.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شایگان و دیگران. (۱۳۹۲). تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- گودرزی، محمد. (۱۳۹۰). سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- گلشن پژوه، محمدرضا. (۱۳۹۶). راهنمای سازمان‌های غیردولتی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- مقنی زاده، محمد حسین. (۱۳۹۸). سازمان‌های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۰). مجموعه مطالعات مربوط به قوانین سازمان‌های مردم‌نهاد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

- مهرپرور، حسین. (۱۳۹۱). **حقوق بشر و راه کارهای اجرایی آن**. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- نمازی، محمدباقر. (۱۳۹۵). **بررسی وضع موجود تشکلهای غیردولتی ایران، نقش و جایگاه سازمانهای غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی**. تهران: وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۷). **چالش‌های شوراها در مدیریت محلی**. مجموعه مقالات همایش مدیریت محلی و شوراها. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- بازرگان هرندی، عباس. (۱۳۹۴). **ارزشیابی آموزشی در سمن‌ها**. کرج: اداره کل ورزش و جوانان.
- جباری، حبیب. (۱۳۹۸). **توسعه اجتماعی و اقتصادی**. مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۰.
- رستمی، و. (۱۳۹۶). **مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)**. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۲).
- شریف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت‌اله. (۱۳۹۳). **حکمرانی خوب و نقش دولت. فرهنگ مدیریت، ۱(۴)**.
- شیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). **اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و بودجه**.
- کولایی، الهه. (۱۳۹۹). **برنامه انجمن مطالعات زنان، (۸)**.
- گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). **مرکز مطالعات زنان**.
- گل محمدی، س. و یوسفی، آ. (۱۳۹۸). **نقش و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه حقوق محیط زیست**. فصلنامه محیط کوهستان، (۱۴).